

(وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ) لِلْخَوَارِجِ أَيْضًا: فَإِنْ أَبِيْتُمْ إِلَّا أَنْ تَزْعُمُوا أَنِّي
أَخْطَأْتُ وَضَلَلْتُ فَلِمَ تُضَلُّونَ عَامَّةُ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِضَلَالِي، وَ
تَأْخُذُونَهُمْ بِخَطَائِي، وَ تَكْفُرُونَهُمْ بِذُنُوبِي، سَيُوفِكُمْ عَلَى عَوَاتِقِكُمْ تَضَعُونَهَا
مَوَاضِعَ الْبُرِّ وَالسَّقَمِ، وَ تَخْلِطُونَ مَنْ أَذْنَبَ بِمَنْ لَمْ يَذْنِبْ. وَ قَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ رَسُولَ
اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَجَمَ الزَّانِيَ الْمُحْصَنَ ثُمَّ صَلَّى عَلَيْهِ، ثُمَّ وَرَّثَهُ أَهْلَهُ، وَ قَتَلَ
الْقَاتِلَ وَ وَرَّثَ مِيرَاثَهُ أَهْلَهُ، وَ قَطَعَ السَّارِقَ وَ جَلَدَ الزَّانِيَ غَيْرَ الْمُحْصَنِ، ثُمَّ قَسَمَ
عَلَيْهِمَا مِنَ الْفَيْءِ، وَ نَكَحَا الْمُسْلِمَاتِ، فَأَخَذَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ -صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ
آلِهِ- بِذُنُوبِهِمْ، وَ أَقَامَ حَقَّ اللَّهِ فِيهِمْ، وَ لَمْ يَمْنَعَهُمْ سَهْمَهُمْ مِنَ الْإِسْلَامِ، وَ لَمْ
يُخْرِجْ أَسْمَاءَهُمْ مِنْ بَيْنِ أَهْلِهِ، ثُمَّ أَنْتُمْ شِرَارُ النَّاسِ وَ مَنْ رَمَى بِهِ الشَّيْطَانُ مَرَامِيَهُ،
وَ ضَرَبَ بِهِ تَيْهَهُ. وَ سَيَهْلِكُ فِي صِنْفَانِ: مُحِبٌّ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْحُبُّ إِلَى غَيْرِ
الْحَقِّ، وَ مُبْغِضٌ مُفْرِطٌ يَذْهَبُ بِهِ الْبُغْضُ إِلَى غَيْرِ الْحَقِّ: وَ خَيْرُ النَّاسِ فِي حَالًا
النَّمَطُ الْأَوْسَطُ، فَالزَّمُوهُ، وَ الزَّمُوا السَّوَادَ الْأَعْظَمَ، فَإِنَّ يَدَ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ، وَ
إِيَّاكُمْ وَ الْفِرْقَةَ! فَإِنَّ الشَّاذَّ مِنَ النَّاسِ لِلشَّيْطَانِ، كَمَا أَنَّ الشَّاذَّ مِنَ الْغَنَمِ لِلذَّنْبِ.
أَلَا مَنْ دَعَا إِلَى هَذَا الشُّعَارِ فَاقْتُلُوهُ وَ لَوْ كَانَ تَحْتَ عِمَامَتِي هَذِهِ. وَ إِنَّمَا حُكِّمَ
الْحَكَمَانَ لِيُحْيِيَا مَا أَحْيَا الْقُرْآنُ، وَ يَمِيْتَا مَا أَمَاتَ الْقُرْآنُ، وَ إِحْيَاؤُهُ الْإِجْتِمَاعُ عَلَيْهِ،
وَ إِمَاتَتُهُ الْإِفْتِرَاقُ عَنْهُ. فَإِنْ جَرْنَا الْقُرْآنَ إِلَيْهِمْ اتَّبَعْنَاهُمْ، وَ إِنْ جَرَّهُمْ إِلَيْنَا اتَّبَعُونَا،
فَلَمْ أَتِ -لَا أَبَالِكُمْ- بُجْرًا، وَ لَا خَتَلْتَكُمْ عَنْ أَمْرِكُمْ، وَ لَا لَبَسْتُهُ عَلَيْكُمْ، إِنَّمَا
اجْتَمَعَ رَأْيُ مَلَائِكَةٍ عَلَى اخْتِيَارِ رَجُلَيْنِ، أَخَذْنَا عَلَيْهِمَا أَنْ لَا يَتَعَدَّيَا الْقُرْآنَ فَتَاهَا
عَنْهُ، وَ تَرَكََا الْحَقَّ وَ هُمَا يُبْصِرَانِهِ، وَ كَانَ الْجَوْرُ هَوَاهُمَا فَمَضِيَا عَلَيْهِ وَ قَدْ سَبَقَ

اسْتِثَاؤُنَا عَلَيْهِمَا فِي الْحُكُومَةِ بِالْعَدْلِ وَالصَّمَدِ لِلْحَقِّ سُوءَ رَأْيِهِمَا، وَجَوْرَ
حُكْمِهِمَا.

در خطاب به خوارج

خوارج عقیده داشتند: کسی که گناه کبیره انجام دهد کافر و از اسلام خارج شده است، مگر توبه کند و دوباره مسلمان گردد

افشاء گمراهی خوارج

پس اگر چنین می‌پندارید که من خطا کرده و گمراه شدم، پس چرا همه امت محمد (ص) را به گمراهی من گمراه می‌دانید؟ و خطای مرا بحساب آنان می‌گذراید؟ و آنان را برای خطای من کافر می‌شمارید؟ شمشیرها را بر گردن نهاده، کورکورانه فرود می‌آورید و گناهکار و بیگناه را به هم مخلوط کرده همه را یکی می‌پندارید؟ در حالی که شما می‌دانید، همانا رسول خدا (ص) زناکاری را که همسر داشت سنگسار کرد، سپس بر او نماز گزارد، و میراثش را به خانواده‌اش سپرد و قاتل را کشت و میراث او را به خانواده‌اش باز گرداند، دست دزد را برید و زنا کاری را که همسر نداشت تازیانه زد، و سهم آنان را از غنائم می‌داد تا با زنان مسلمان ازدواج کنند، پس پیامبر (ص) آنها را برای گناهانشان کیفر می‌داد، و حدود الهی را بر آنان جاری می‌ساخت، اما سهم اسلامی آنها را

از بین نمی‌برد، و نام آنها را از دفتر مسلمین خارج نمی‌ساخت (پس با انجام گناهان کبیره کافر نشدند) شما خوارج، بدترین مردم و آلت دست شیطان، و عامل گمراهی این و آن می‌باشید.

پرهیز از افراط و تفریط نسبت به امام علی (ع)

به زودی دو گروه نسبت به من هلاک می‌گردند، دوستی که افراط کند و به غیر حق کشانده شود، و دشمنی که در کینه‌توزی با من زیاده‌وری کرده به راه باطل درآید، بهترین مردم نسبت به من گروه میانه‌رو هستند، از آنها جدا نشوید، همواره با بزرگترین جمعیتها باشید که دست خدا با جماعت است، از پراکندگی پرهیزید، که انسان تنها بهره شیطان است آنگونه که گوسفند تنها طعمه گرگ خواهد بود، آگاه باشید هر کس که مردم را به تفرقه و جدایی دعوت کند او را بکشید هر چند که زیر عمامه من باشد.

علل پذیرش (حکمت)

اگر به آن دو نفر (ابوموسی و عمروعاص) رای به داوری داده شد، تنها برای این بود که آنچه را قرآن زنده کرد زنده سازند، و آنچه را قرآن مرده خوانده، بمیرانند، زنده کردن قرآن این است که دست وحدت به هم دهند و به آن عمل نمایند، و میراندن، از بین بردن پراکندگی و جدایی است، پس اگر قرآن ما را به سوی آنان بکشاند آنان را پیروی می‌کنیم، و اگر آنان را به سوی ما سوق داد باید

اطاعت کنند، پدر مباد شما را! من شری براه نیانداخته، و شما را نسبت به سرنوشت شما نفریفته، و چیزی را بر شما مشتبه نساخته‌ام، همانا رای مردم شما بر این قرار گرفت که دو نفر را برای داوری انتخاب کنند، ما هم از آنها پیمان گرفتیم که از قرآن تجاوز نکنند، اما افسوس که آنها عقل خویش را از دست دادند، حق را ترک کردند در حالی که آن را بخوبی می‌دیدند، چون ستمگری با هواپرستی آنها سازگار بود با ستم همراه شدند، ما پیش از داوری ظالمانه‌شان با آنها شرط کردیم که به عدالت داوری کنند و بر اساس حق حکم نمایند، اما به آن پایبند نماندند.